

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۴ جنوری ۲۰۱۲

امریکا، طالبان و ائتلاف شمال

در این اواخر، داد و فریاد زیادی به ارتباط تماس امریکا با چند تن از خائنین ائتلاف شمال به راه افتاده است. یک تعداد انگشت انتقاد را صرف متوجه ائتلاف شمال ساخته، اما به عمق موضوع پی نبرده و یا این که جرأت اظهار نظر را ندارند. فرقی نمی کند که خاین کی است: پشتون است یا تاجک، هزاره است یا ازبک و یا سید، حضرت و نقیب. پس اعمال خاینانه به کشور را از جانب هر فرد و یا گروهی که باشد باید بدون تعصب مورد موشکافی قرار داد و خاین را هم در تمام جهات تشهیر کرده و هویتش را افشاء نمود. یک جانبه نگری و یک فرد خاص و یا گروه معینی را هدف قرار دادن، کار وابستگان استعمار است.

در مضمون تاریخی ۸ جنوری خود تحت عنوان "شکست امریکا، تسلیمی طالبان و شرمندگی متداوم لوده های سیاسی" روش امریکا را به ارتباط آغاز مذاکرات صلح این کشور با طالبان مورد ارزیابی قرار داده و جهات مختلف آن را مورد توجه قرار دادم. در این جا می خواهم دلیل تماس امریکا را با گروه ائتلاف شمال بازنگری نموده و علت روش چند گانه امریکا را بیابم.

قدرت های بزرگ امپریالیستی غرض رسیدن به اهداف استعماری، سعی می نمایند جمع کثیری از مردم کشور زیر تهاجم را در خدمت گیرند تا اگر از عملکرد یکی مأیوس شدند، دیگری را در دست داشته باشند. یا این که یک گروه را علیه گروه دیگر در هنگام ضرورت استعمال نمایند. ما این روش امریکا را در زمان تجاوز این کشور به افغانستان و عراق به وضاحت دیدیم. تأسف در اینجاست که با وجود داشتن سال ها تجربه سیاسی، یک تعداد هم میهنان ما چنین وانمود می نمایند که از جهان بی خبر بوده و گویا کدام اتفاقی برای کشور شان نیفتاده است. نشان دادن عکس العمل بعضی هم میهنان ما به حوادث افغانستان آنی و زاده خواب آلودگی ذهنی شان است. در جریان تجاوز امریکا به افغانستان و کوبیدن طالبان، انسان نما های شورای نظار احمد شاه مسعود و سایر گروه های ائتلاف شمال به سگ های زنجیری و راه گشای امپریالیسم میدل گردیدند. روی همین دلیل بود که جنگ سالاران ائتلاف شمال برای مدتی در مقامات عالیه دولت مستعمراتی کابل قرار گرفتند و احمقی مانند قانونی صعود سریع اش بر قله سیاست کشور را "دایمی" خواند. خوب متوجه شوید که امپریالیسم چطور اختلافات ذات البینی مردم را

دامن می زند و وحدت ملی شان را درهم می شکند. در آن زمان تعداد قلیلی جرأت نمودند که ازین روش استعماری امپریالیسم انتقاد نمایند. بقیه یا خاموش ماندند و یا سر تأیید به حمایت اعمال استعمار خم کردند. به تاریخ ۹ جنوری ۲۰۱۲، چند تن از وکلای امریکا (چهار جمهوریخواه و یک دموکرات) با رهبران تحمیلی ائتلاف شمال در برلین دیدار کردند. در میان وکلای امریکا شخصی بود به اسم دانا روهرابیچر (**Dana Rohrabacher**) که یکی از شارلاتان های حزب جمهوریخواه است. طبق گفته ها، این وکیل امریکا مقدار زیاد تحایف و پول از دوستم گلم جم قبلاً گرفته است. دراین محفل استعماری، طبق گزارش مطبوعات افغانی، گروه ائتلاف شمال موضوع فدرالی شدن افغانستان را با وکلای امریکا مطرح ساختند و از آنها در پیاده کردن طرح شان طالب کمک شدند که باعث سر و صدای زیادی در داخل و خارج افغانستان گردید. بعداً ائتلاف شمال اعلام نمود که صحبت ما در مورد فدرالی شدن افغانستان نبوده بلکه به ارتباط تغییر سیستم ریاستی فعلی به سیستم پارلمانی بود. هموطنان بی خبر ما از عمق موضوع، صرف بر گفتار ائتلاف شورای نظار می تازند و آن را یک عمل ضد ملی می پندارند. اگر این گفتار خاینانه گروه ائتلاف شمال تنها در داخل کشور صورت می گرفت به یقین که صد در صد ضد ملی پنداشته می شد. اما فرق در کجاست؟ در برلین، جانب مقابل امریکائیان بودند که با ائتلاف شمال مذاکره می کردند. یعنی دو جانب در مذاکرات سیاسی در برلین سهیم بودند. دراین جا منتقدین از عملکرد و توطئه اربابان امریکائی شان انتقاد نمی کنند، بلکه بر مبنای تعصبات خاص لبه تیز انتقاد خود را صرف متوجه ائتلاف شمال می سازند.

برای میهن دوستان، ماهیت جلسه امریکا با طالبان و ائتلاف شمال کمترین فرقی از هم ندارد. اگر امریکا برای رضایت طالبان، چند ولایت جنوب را در اختیار آنها قرار می دهد، چه فرقی بین این نوع تجزیه و پیشنهاد فدرالی شدن افغانستان از جانب ائتلاف شمال است؟ در هر دو صورت، استعمار جهانی مستفید می شود و افغانستان صدمه می بیند. پس چرا هم میهنان ما صدای خود را علیه جلسه امریکا با طالبان بلند نمی نمایند؟ حتا لوده های سیاسی این عمل را زاده یک حرکت مثبت از جانب اربابان استعماری خود می دانند. مشاهده نمائید هم میهنان که ما مردم تا چه اندازه بازیچه بیگانگان می شویم و در همان دامی می افتیم که سالیان متمادی ما را در تار های آن بسته کرده اند. امریکا از یکسو با دولت دست نشانده اش در کابل روابط دیپلماتیکی دارد (برای این که نشان دهد که افغانستان آزاد است) و از جانب دیگر بدون اطلاع کرزی با طالبان در مذاکره را می گشاید. آیا این خود یک توطئه و یا به استهزا گرفتن کرزی و حکومت مستعمراتی اش نیست؟ جریانات سیاسی کشور همچنان نشان می دهد که عمال سی ای ای شب و روز با گروه های متعدد ائتلاف شمال و بدون آگاهی به اصطلاح حکومت مرکزی در تماس بوده و برحسب ضرورت به آنها فرمان و هدایت می دهد. در جلسه برلین بین وکلای امریکا و ائتلاف شمال، امپریالیسم همان تکنیک همیشگی تفرقه بینداز و حکومت کن را به کار برد. به طالبان فهماند که ما هنوز ائتلاف شمال را در دست خود داریم و در صورت ضرورت باز هم از آنها استفاده خواهیم کرد. به ائتلاف شمال فهماند که طالبان هم جزء مهره های سیاسی آینده افغانستان خواهند بود. به کرزی فهماند که تو برای ما زیاد ارزش نداری و خواه خوش باشی و یا خفه، هر کاری را که بخواهیم می کنیم. بعد از این که سر و صدا به ارتباط پیشنهاد فدرالی ساختن افغانستان از جانب ائتلاف شمال در جلسه برلین بلند شد، اداره اوباما اعلام کرد که وکلای حاضر در برلین نمایندگان اداره اوباما نیستند. این تاکتیک دیگر امپریالیسم است. قبول که وکلای نامبرده مأمورین قوای اجرائیه و اداره اوباما نیستند، اما جزء قوای سه گانه دولت فدرال امریکا اند که نا ممکن است در همچو جریانات حساس سیاسی بدون مشوره با وزارت خارجه امریکا داخل عمل گردند. باین نوع بازی، استعمار سعی می نماید که هم به

هدف استعماری خود برسد و هم در صورت ظهور نا رضایتی، اداره بر سر اقتدار در واشنگتن از هر گونه مسؤلیت شانه خالی کند.

امپریالیسم از هر نوع تکتیک در انهدام افغانستان و به زنجیر کشیدن مردم ما استفاده می کند. هوشیاری و وجدان سالم برای درک و افشای توطئه های استعماری مبین موفقیت ما در زدودن استعمار خواهد بود. فراموش نکنید که قرار داد های مخفی احمد شاه مسعود با شوروی و تسلیمی و کنار آمدن طالبان با امریکا فرقی در ماهیت ندارد. نمی توان یکی را خاین و دیگری را صادق خطاب نمود.